



بیانات مقام معظم رهبری در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (ع) - 1 / فروردین / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقية الله في الارضين.

خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق عنایت فرمود امسال در زیر انوار مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج علیه آلاف التحية والثناء، آغاز سال شمسی هجری را در خدمت شما برادران و خواهران مشهیدی و نیز زائران محترم این آستان مبارک باشم. عید سعید نوروز را به همه شما تبریک عرض می کنم و امیدوارم ان شاءالله با استثنائه از این انوار مقدسه و مانند اولین روز سال که بحمدالله با یاد خدا و اولیای خدا گذشت، همه سالتان به انوار توحید و ولایت و انوار معنوی دین مطهر و مقدس اسلام و تعالیم ائمه علیهم السلام منور باشد.

در ابتدا مطلبی درباره عید نوروز عرض کنم. به نظر من آنچه که ملت ایران در باب عید نوروز انجام داده است، یکی از زیباترین و شایسته ترین کارهایی است که می شود با یک مراسم تاریخی و سنتی انجام داد. اول سال شمسی ما ایرانیها، - یعنی اول بهار - عید نوروز است. اولاً ملت ایران افتخار دارد که سال شمسی او هم سال هجری است؛ یعنی همچنان که سال قمری ما - که سال 1418 است - از مبدأ هجرت خاتم الانبیاء علیه و علی آله الصلاة والسلام است، سال شمسی ما هم از مبدأ هجرت است. بقیه ملت‌های مسلمان برای سال شمسی خود، از سال میلادی استفاده می کنند؛ ولی ما ایرانیها، هجرت نبی اکرم را، هم مبدأ سال قمری قرار دادیم، هم مبدأ سال شمسی.

این، مطلب اولی که به نظر من نشانگر هنر و عشق و علاقه ایرانی به تعالیم مقدس اسلام و به آثار مطهر و مقدس نبوی است. در ضمن، اول سال را اول فصل بهار انتخاب کرده ایم، در حالی که مسیحیان، اول زمستان را اول سال قرار می دهند! البته فرق آنها با ما این است که ولادت حضرت مسیح، تاریخ مشخصی ندارد و یک مطلب حدسی است؛ در حالی که هجرت نبی مکرم اسلام، از نظر تاریخی کاملاً دقیق و مشخص است. به هر حال ما اول بهار را اول سال خودمان قرار داده ایم که این هم یک ذوق و سلیقه ایرانی است. اول بهار، اول رویش طبیعت، اول بیداری باغ و راغ و بوستان و اول بالندگی همه موجودات زنده است. این بهتر از زمستان است که وقت مردن و انجماد طبیعت و گیاه و نباتات است.

در تعالیم اسلام نکته ای وجود دارد که خوب است برادران و خواهران به آن توجه کنند. اسلام با سنت‌هایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، دو نوع رفتار می کند. اولاً بعضی سنت‌های غلط را به کلی از بین می برد و نابود می کند؛ چون سنت‌های درستی نیست. مثل این که عربها قبل از اسلام، دختران خودشان را نگه نمی داشتند، یا بیشتر ملت‌های غیرمسلمان، جنس زن را تحقیر و اهانت می کردند! اسلام این سنت را به کلی از بین برد؛ چون به کلی غلط بود. ثانیاً اسلام بعضی از سنت‌ها را از بین نبرده است. کالبد سنت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج. این طوافی را که ملاحظه می کنید، قبل از اسلام هم بود؛ منتها محتوای طواف، محتوای شرک بود! اسلام آمد و این عمل را از محتوای شرک آلود، خالی و از محتوای توحید پُر کرد. طواف در آن زمان، مظهر گرایش انسان به آلهه و ارباب ادعایی و پنداری بود؛ آن را تغییر داد و مظهر ارادت انسان به مرکز عالم وجود - یعنی حضرت حق متعال و وجود مقدس پروردگار - قرار داد. ظاهر را نگه داشت و باطن را عوض کرد. اسلام در بسیاری از مواقع، با سنت‌ها این کار را می کند. مردم ما عین همین کار را با نوروز کردند؛ نوروز را نگه داشتند و محتوای آن را عوض کردند. نوروز در ایران، جشنی در خدمت حکومت‌های استبدادی قبل از اسلام بود! به همین خاطر است که «نوروز باستانی»، «نوروز باستانی» می گویند! «نوروز» اش خوب است، ولی «باستانی» اش بد است! «باستانی» یعنی این که همه این جشن‌های دوره سال - مثل جشن «نوروز»، یا جشن «مهرگان»، یا جشن‌های



دیگری نظیر «خردادگان»، «مردادگان» و جشنهای گوناگونی که قبل از اسلام بوده است - در خدمت حکومت‌های استبدادی و سلطنت‌های پوسیده دوران جاهلیت ایران بود! محتوای نوروز، محتوای مردمی و خدایی نبود؛ توجّه و ارادت به حضرت حق در آن نبود؛ جهات عاطفی و انسانی و مردمی در نوروز نبود! ملت ایران نوروز را نگه داشتند؛ اما محتوای آن را عوض کردند. این محتوای امروز نوروز ایرانی، غیر از محتوای باستانی است. نوروز برای ملت ما، امروز عبارت است از اولاً: توجّه مردم به خدا. اول تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، «یا محوّل الحول والاحوال» می‌گویند، آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجّه خود را به خدا زیاد می‌کنند. این ارزش است. ثانیاً نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و محبت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطوفت اسلامی و همان صله رحم اسلام است؛ بسیار خوب است. ضمناً نوروز را بهانه‌ای برای زیارت اعیان مقدّسه قرار می‌دهند؛ به مشهد مسافرت می‌کنند - که همیشه یکی از پرجمعیت‌ترین اوقات سال در مشهد مقدّس، اوقات عید نوروز بوده است - این بسیار خوب است.

پس می‌بینید که نوروز را نگه داشتند، محتوای آن را که غلط بود، به محتوای صحیح و درست تبدیل کردند. این هنر ملت ایران و ذوق و سلیقه ایرانی مسلمان است. ما عید نوروز را از دیدگاه کسانی که با اسلام سر و کار دارند، تأیید می‌کنیم. عید نوروز، چیز خوبی است. وسیله‌ای است که با آن دل‌ها شاد می‌شود، انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، صله رحم و صله احباب می‌کنند؛ چون دوستان و رفقا هم مثل ارحام، احتیاج به صله دارند. انسان باید با ارحام صله کند، باید با دوستان و رفقا هم صله کند؛ یعنی ارتباط برقرار کند. این، ارتباط عید نوروز است که بسیار خوب است.

یک نکته اساسی در نوروز هست که در روایات ما به آن توجّه شده است. من مایلم شما عزیزانی که امروز در این صحن و در صحن‌های دیگر و مراکز آستان قدس رضوی هستید - اجتماع عظیم مردم - و این سخن را می‌شنوید، به آن توجّه کنید. هر یک از آحاد ملت ایران هم که می‌شنود، به آن توجّه کند.

نوروز، یعنی روز نو. در روایات ما - بخصوص همان روایت معروف «معلی بن خنیس» - به این نکته توجّه شده است. معلی بن خنیس که یکی از رؤات برجسته اصحاب است و به نظر ما «ثقه» است، جزو شخصیت‌های برجسته و صاحب راز خاندان پیغمبر محسوب می‌شود. او در کنار امام صادق علیه الصلوة والسلام زندگی خود را گذرانده و بعد هم به شهادت رسیده است. معلی بن خنیس - با این خصوصیات - خدمت حضرت می‌رود؛ اتفاقاً روز «نوروز» بوده است - در تعبیرات عربی، «نوروز» را تعریب می‌کنند و «نیروز» می‌گویند حضرت به او می‌فرمایند: «آندری مال‌نیروز؟» آیا می‌دانی نوروز چیست؟

بعضی خیال می‌کنند که حضرت در این روایت، تاریخ بیان کرده است! که در این روز، هبوط آدم اتفاق افتاد، قضیه نوح اتفاق افتاد، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق افتاد و چه و چه. برداشت من از این روایت، این نیست. من این طور می‌فهمم که حضرت، «روز نو» را معنا می‌کنند. منظور این است: امروز را که مردم، «نوروز» گذاشته‌اند، یعنی روز نو! روز نو یعنی چه؟ همه روزهای خدا مثل هم است؛ کدام روز می‌تواند «نو» باشد؟

شرط دارد. روزی که در آن اتفاق بزرگی افتاده باشد، نوروز است. روزی که شما در آن بتوانید اتفاق بزرگی را محقق کنید، نوروز است. بعد، خود حضرت مثال می‌زنند و می‌فرمایند: آن روزی که جناب آدم و حوا، پا بر روی زمین گذاشتند، نوروز بود؛ برای بنی آدم و نوع بشر، روز نویی بود. روزی که حضرت نوح - بعد از توفان عالمگیر - کشتی خود را به ساحل نجات رساند، «نوروز» است؛ روز نویی است و داستان تازه‌ای در زندگی بشر آغاز شده است. روزی که قرآن بر پیغمبر نازل شد، روز نویی برای بشریت است - حقیقت قضیه همین است؛ روزی که قرآن برای بشر نازل می‌شود، مقطعی در تاریخ است که برای انسان‌ها روز نو است - روزی هم که امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت انتخاب شد، روز نو است.



اینها همه، «نوروز» است؛ چه از لحاظ تاریخ شمسی، با اوّل ماه «حَمَل» مطابق باشد یا نباشد. این نیست که حضرت بخواهند بفرمایند که این قضایا، روز اوّل «حَمَل» - روز اوّل فروردین - اتفاق افتاده است؛ نخیر. بحث این است که هر روزی که این طور خصوصیتی در آن اتفاق بیفتد، روز نو و «نوروز» است؛ چه اوّل فروردین، چه هر روز دیگری از اوقات سال باشد.

خوب؛ من حالا به شما عرض می‌کنم. روزی که انقلاب پیروز شد «نوروز» است، روز نوبی بود. روزی که امام وارد این کشور شد، برای ما نوروز بود. روز فتوحات عظیم این جوانان مؤمن و این ایثارگران ما در جبهه نبرد - علیه نظامیانی که از «ناتو» و «ورشو» و آمریکا و شوروی و خیلی از مراکز دیگر قدرت تغذیه می‌شدند - روز پیروزی جوانان ما - با ایمانشان - بر آنها «نوروز» است؛ روز نو است.

حال اگر شما می‌خواهید روز اوّل فروردین را هم برای خودتان روز «نو» و نوروز قرار دهید، شرط دارد. شرطش این است که کاری کنید و حرکتی انجام دهید؛ حادثه‌ای بیافرینید. آن حادثه در کجاست؟ در درون خود شما! «یا مقلب القلوب والابصار. یا مدبّر اللیل والنهار. یا محوّل الحول والاحوال. حوّل حالنا الی احسن الحال». اگر حال خود را عوض کردید، اگر توانستید گوهر انسانی خود را درخشانتر کنید، حقیقتاً برای شما «نوروز» است! اگر توانستید پیام انقلاب، پیام پیامبران، پیام امام بزرگوار و پیام خونهای مطهر بهترین جوانان این ملت را - که در این راه ریخته شده است - به دل خودتان منتقل کنید، برای شما «نوروز» است.

عزیزان من! سعی کنید روز اوّل فروردین را برای خودتان «نوروز» کنید. بعضی کسان روز اوّل فروردینشان «نوروز» نیست. ممکن است اوّل فروردین برای آنها از هر روز نحسی هم نحستر باشد! اوّل فروردین - «نوروز» - برای آنهايي که در درون خود، به فساد و انحطاط گرایش پیدا می‌کنند، آنهايي که خود را از خدا دور می‌کنند، آنهايي که خود را از هدفهای بلند این ملت و این انقلاب جدا می‌کنند، نوروز نیست، روز عید نیست، روز جشن و روز شادی نیست؛ شوم است! این، آن حقیقت مسأله در باب نوروز است.

پس «نوروز» به طور خلاصه خوب است. اوّل سال هجری شمسی است، روز نو، اوّل بهار، اوّل رویش و جوشش طبیعت و اوّل شروع زیباییها در عالم طبیعت است. این را برای خودتان هم اوّل بالندگی و جوشش و اوّل بروز زیباییها قرار دهید و برای خودتان «روز نو» کنید.

من دو مطلب را در پیام عید امسال، عرض کردم؛ می‌خواهم مختصری درباره این دو مطلب صحبت کنم. اوّل این پیامهای عید، تعارف و تشریفات نیست؛ حرف لازمی است که در این فرصت، به گوش ملت عزیز می‌رسد. ثانیاً امسال در این فرصت، من چند مطلب لازم را عرض کردم که یک مطلب، همین مسأله صرفه جویی بود. ببینید عزیزان من! دشمنان ما در خارج از کشور، برای این که بیشترین ضربه خود را بزنند و زهر خود را کاملاً به جسم این ملت خالی کنند، چند کار را با هم انجام می‌دهند! اوّل، تبلیغ می‌کنند که وضع ایرانیها از لحاظ اقتصادی خراب است. حالا وضع، هیچ خرابی هم ندارد، اما وضع اقتصادی را طوری تصویر می‌کنند که اگر کسی این ملت را نبیند، خیال می‌کند که مردم سر نان روی هم چاقو می‌کشند! خیال می‌کند این جا قحطی است!

بعضی افراد که از خارج به کشور ما می‌آیند - در تهران، در مشهد، در اصفهان، در تبریز و در هر نقطه این کشور - به کسانی که با آنها هستند، می‌گویند: «ما اصلاً خیال نمی‌کردیم که ایران این گونه باشد!» دشمنان ما، اوّل یک ترسیم خیلی بد اقتصادی می‌کنند! این برای ناامید کردن مردم و هر کسی است که صدایشان را می‌شنود. برای خراب کردن چهره انقلاب در چشم ملت‌های دیگر است که انقلاب را بزرگ می‌شمارند و به انقلاب ارادت دارند. می‌خواهند به آنها بگویند که این انقلاب نتوانست «مشکل اقتصادی» را حل کند. این یک کار که می‌کنند.

خوب؛ اگر واقعاً وضع اقتصادی ملتی آشفته است، باید چه کار کند؟ بایستی به خودش سختی بدهد. آنها برای این که مبدا تبلیغاتشان موجب شود کسانی به فکر بیفتند که به خودشان سختی دهند و اگر مشکلی هم در کار اقتصادی



هست، از بین برود، تبلیغات می کنند که «در ایران، فلان کسان می خواهند مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت کنند!» به قول معروف، پیش می افتند که پس نیفتند! یعنی حرفی می زنند که کسی در این مملکت جرأت نداشته باشد مردم را به قناعت دعوت کند که مبادا بگویند «ریاضت اقتصادی»!

از طرف دیگر، هر کاری که از دستشان برآید، برای این که وضع اقتصاد مردم را نابسامان کنند، انجام می دهند! همه تیرهای زهرآگین را با هم پرتاب می کنند؛ همه توطئه ها را با هم می کنند! اگر می بینید اثر نمی کند، یا کم اثر می کند، به خاطر عظمت این ملت و عظمت انقلاب است. من نمی گویم در داخل، مسئولین، کارگزاران و ماها هیچ گونه کوتاهی نداریم؛ نخیر، بحث ما این نیست. بحث، این است که علاوه بر آن کمبودها و نارساییهایی که ممکن است در رفتار فلان مسؤول وجود داشته باشد، دشمن هم از بیرون توطئه می کند!

یک عده می خواهند وانمود کنند که ما اصلاً دشمن نداریم! یک عده می خواهند وانمود کنند که اصلاً توطئه ای علیه ملت ایران نیست! می نویسند دیگر؛ اینها هم رفیقهای همانها هستند! در روزنامه ها می نویسند و گاهی در سخنرانیها می گویند که اصلاً توطئه ای وجود ندارد؛ خیالات است که شما می کنید، خیالات است! نه؛ دشمن از همه طرف توطئه می کند! قیمت نفتی که متأسفانه بیشترین منبع درآمد ملت و دولت ایران است، امسال تقریباً به دو سوم - بلکه شاید کمتر - رسیده است. من نمی گویم که هدف از این کار، فقط ایران است؛ نه. ایران و غیرایران، هدفند! نمی گویم که این کار را فقط دشمنان کردند. دشمنان هم کرده اند، متأسفانه دوستان نادان و بی توجه هم به آنها کمک کردند و این کار بد انجام گرفت.

خوب؛ یک ملت زنده، بیدار، متوجه کار و مسلط بر امور خود، در مقابل چنین پدیده هایی چه کار می کند؟ فوراً می گردد تا راه علاج را جستجو کند. سعی می کند بدل فنّ ضربه حریف را به او بزند. این همان کاری است که الان انجام می گیرد؛ یعنی مسؤولین اقتصادی دولت، برنامه کشور را طوری تنظیم می کنند که هیچ گونه ضربه ای بر مسائل اساسی کشور وارد نیاید. این کار را کرده اند و می کنند؛ خیلی هم خوب است. قیمت نفت، در دوران جنگ از این هم کمتر بود، ولی به خوبی گذراندیم. در زمان ریاست جمهوری بنده، قیمت نفت که امروز هر بشکه ای حدود دوازده دلار است - از هجده دلار به دوازده دلار رسیده است - به هشت دلار، به هفت و نیم دلار رسید و گذراندیم! وقتی مسؤولین بر کار خودشان مسلط باشند و مردم را پشت سر خودشان داشته باشند، می توانند انجام دهند. ما آن روز، جنگ را هم داشتیم - که خرج جنگ هم خرج خیلی عظیمی بود - پس این کافی نیست. در کنار این، مسأله صرفه جویی مطرح است.

عزیزان من! در کشور ما، اسراف زیاد می شود! ما از چند طرف ضربه اقتصادی می خوریم؛ از جهت نفت هم ضربه اقتصادی می خوریم! نفت، ثروت ملت ایران و ثروت دولت است - که نماینده ملت است - اما درآمد دولت تولید کننده نفت، کمتر از درآمد دولتی است که کمپانیهای نفتی آن، نفت ما را می خردند و آن دولت از آنها مالیات می گیرد! شما ببینید چه ظلم بزرگی در دنیا انجام می گیرد و اتفاق می افتد! یعنی تجار و کارخانه داران فلان کشور صنعتی که نفت را از خلیج فارس می خردند و به آن جا می برند، دولت از آنها مالیات می گیرد - به خاطر نفتی که آنها می خردند و وارد می کنند - آن مالیاتی که او به خاطر این نفت می گیرد، بیشتر از آن قیمتی است که دولت تولید کننده و صادر کننده نفت، به خاطر فروش نفت خودش می گیرد! آیا این ظلم نیست؟! این ظلمی است که کشورهای صنعتی می کنند؛ اعمال نفوذی است که می کنند. این یک ضرر!

بنده از چند سال قبل - دو، سه سال قبل - شعار تکیه بر «اقتصاد منهای نفت» را با مسؤولین کشور در میان گذاشتم؛ آنها هم انصافاً استقبال کردند. البته کار آسانی نیست. این کار در طول یک سال و دو سال و پنج سال، انجام نمی گیرد؛ باید به مرور و بتدریج انجام گیرد، که ما برای اداره امور کشور، برای کارهای گوناگون کشور، برای واردات و خدمات کشور، برای آموزش و پرورش و بودجه جاری کشور، مجبور نباشیم نفت را که ذخیره ماست،



بفروشیم و گندم، یا شیر خشک وارد کنیم! این غلط است.

چند سال است که این مطلب را به مسؤولین گفته ایم؛ مسؤولین هم - چه در دولت قبل، و چه در دولت فعلی - جداً این قضیه را دنبال کردند و می کنند که شاید بتوانند؛ اما کار دشوار است. این خشت کجی است که در زمان رژیم پهلوی گذاشته شده است. آن جوانانی که نمی دانند رژیم گذشته با این کشور چه کرده است، بدانند یکی از دهها کار خیانت آمیزی که کردند، این است! اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به آسانی هم نمی شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد! این ملت اگر بتواند، باید با صادرات گوناگون - صادرات میوه، صادرات معادن گوناگونی که در این کشور هست، تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات - این کشور را اداره کند.

نفت، ذخیره همیشگی این ملت است و می ماند. اولاً از آن برای ساخت زیربناهای ماندگار و دیگر سرمایه های اساسی کشور استفاده می شود. ثانیاً به وسیله قدرت نفت، ملت ایران می تواند در صحنه سیاست بین المللی، ابراز قدرت کند. یک وقت اعلان کند که من می خواهم نفتم را شش ماه نفروشم! همه دنیا را تحت تأثیر قرار می دهد؛ همه سیاستها را تحت تأثیر قرار می دهد. یا بگویم می خواهم این قدر کم کنم، یا این قدر زیاد کنم! این در طول زمان انجام می گیرد. پس از این طرف، ملت ایران ضرر می کند، از آن طرف هم مسؤولین کشور، همین پول نفت را به خاطر نیاز کشور می دهند و گندم وارد می کنند! بعد وقتی که این گندم وارد می شود، وقتی که آرد می شود، نان می شود و پا به سفره من و شما می گذارد، آن جا ضایع می شود! امروز ما آن مقداری که از ضایعات نان ضرر می بینیم از هیچ ضایعه مادی ای ضرر نمی بینیم! یعنی همین نان خشکی که از خانه من و شما خارج می شود - که به نظر ما هم هیچ نمی آید - معادل بخش عظیمی از قیمت گندم وارداتی ماست! این مطلب را دولتیها - مسؤولین - می گویند؛ امنای من و شما می گویند!

ببینید اسراف چه کار می کند! اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب بازی بچه و در وسایل تجمّلاتی! عزیزان من! این اسراف همان کاری را با کشور می کند که دشمن می خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به وسیله تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه ها بر ملت ایران ضربه وارد می کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می کنیم! حرف من این است.

من در پیام گفتم که مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت نمی کنم؛ ابد! چه ریاضتی؟ بحمدالله ملت ما احتیاج به ریاضت ندارد. من آنها را به قناعت، به صرفه جویی و به اسراف نکردن دعوت می کنم. اسراف، حرام است. این هم نمی شود که من و شما، مرتب دیگران را نصیحت کنیم. همه باید سعی کنند که اسراف را از زندگی شخصی و از زندگی کاری خودشان دور کنند.

من در پیام عرض کردم که مسؤولین دولتی باید فهرستی درست کنند و موارد اسراف را به مردم یاد دهند. این یک مطلب از مطالبی که ما در پیام امسال عرض کردیم؛ حال هم تأکید می کنیم و توقع داریم که مردم، توجه و دنبال کنند. ان شاءالله از آن، سود کشور حاصل شود.

مطلب دوم این است که یک ملت اگر در چشم ملت‌های دیگر از عزّت برخوردار نباشد، کارش زار است! کارش در سیاست، در تجارت و در فرهنگ، زار است. اولین دشمنی بزرگی که قدرتهای استکباری و استبدادی با یک ملت می کنند، این است که او را ذلیل می کنند؛ عزّت او را از او می گیرند. ملت ایران با این سابقه تاریخی، با این عظمت، با این استعداد، با این جوانان خوب، با این همه زیبایی - زیبایی انسانی و طبیعی و تاریخی که در میان این ملت هست - در دوران رژیم گذشته، در چشم بیگانگان به ملتی تبدیل شده بود که آنها از آن ملت، فقط فرش یا پسته را می شناختند! می گفتند اینها همان کسانی هستند که برای ما فرش می بافند و پسته تولید می کنند! اهانت به یک کشور و یک ملت از این بالاتر!



انقلاب آمد و به دنیا نشان داد که ملت ایران، آن ملتی است که در مقابل خواست قدرتهای استکباری می ایستد و حرف خود را می زند و اگر همه قدرتهای استکباری نیز همدست شوند، در هیچ زمینه ای نمی توانند اراده خود را بر او تحمیل کنند! امروز، چه امریکاییها بخواهند، چه نخواهند؛ چه صهیونیستها بخواهند، چه نخواهند؛ چه دشمنان این ملت بخواهند، یا نخواهند، ملت ایران در دنیا این طور شناخته شده است: ملتی قوی، مصمم، با اراده، نترس و شجاع که خودش می اندیشد، تصمیم می گیرد و انتخاب می کند! هیچ کس نمی تواند بگوید: ای دولت ایران، ای ملت ایران، رابطه ات را با فلان کشور قطع کن، یا با فلان کشور، رابطه برقرار کن و یا فلان جا تجارت کن، فلان جا نکن! هیچ کس نمی تواند به ما دستور بدهد. این امروز آبروی ملت ایران است.

در جنگ، این مطلب فهمیده شد. در اصل انقلاب، در مقابله با محاصره اقتصادی و در قضایای گوناگون سیاسی و دیپلماسی فهمیده شد. در همین قضیه دادگاه میکنونوس هم فهمیده شد! ما قضیه را بزرگوارانه، با سکوت برگزار کردیم و گذرانیدیم؛ اما حقیقت قضیه که جایی نمی رود. همه اروپا با هم همدست شدند تا سر قضیه دادگاه میکنونوس که بنده گفته بودم «چون در این قضیه، آلمان این گونه رفتار کرده است و سفرا رفتند، اگر سفرای دیگر می خواهند بیایند، بیایند؛ ولی سفیر آلمان، باید بعداً بیاید. حق ندارد با آنها برگردد» این حرف را از بین ببرند، که سفیر آلمان، اگر شده با یک نفر دیگر با هم بیایند. دولت و ملت ایران ایستادند.

از هر راهی که می توانستند فشار بیاورند و اقدام کنند، اقدام کردند. هر کاری می توانستند بکنند، کردند. از اواسط سال هفتاد و پنج شروع شد؛ سال هفتاد و شش رسید و انتخابات انجام گرفت و اجتماع عظیم مردم - آرای سی میلیونی و شرکت سی میلیونی مردم در انتخابات که مایه افتخار ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی بود - موجب شد که مرتب به آنها فشار می آمد! آنها هم مرتب فشار آوردند، شاید بتوانند با دولت و با مسؤولین جدید، ارتباط برقرار کنند! کسی به آنها جواب نداد و بالاخره در نهایت کار، مجبور شدند همان را که ما گفته بودیم قبول کنند! درست همان گونه که گفته شده بود، عمل کردند.

خوب؛ این عزت ملت ایران است. تحلیلگران سیاسی که کور نیستند! در اطراف دنیا می بینند که در ایران چه اتفاق می افتد؛ همه هم می دانند که این به خاطر انقلاب و به خاطر اسلام است. سعی می کنند انواع و اقسام تبلیغات را هم علیه این مواضع ملت ایران داشته باشند؛ از اطراف حمله می کنند - البته حمله دیپلماسی و سیاسی - که ملت ایران چاره ای ندارد و مجبور است با امریکا رابطه برقرار کند، و الا نمی شود! از صد طریق این را به گوش ما می رسانند؛ مربوط به امروز هم نیست!

آن سالی که بنده برای اجلاس سازمان ملل به نیویورک رفتم، یکی از مسؤولین بلندپایه یکی از کشورهای اروپایی پیش من آمد و گفت: «شما بالاخره باید مسأله خود را با آمریکا حل کنید!» فکر می کردند ما که به نیویورک رفته ایم و در کشور آمریکا هستیم، شاید بتوانند نان را به تنور گرم بزنند! گفتم نمی شود. قضیه سازمان ملل، قضیه دیگری است. من به سازمان ملل آمده ام تا با مردم دنیا حرف بزنم و این ربطی به آمریکا ندارد! مسأله آمریکا، مسأله دیگری است.

یکی از وزرای خارجه کشورهای معروف و بزرگ اروپایی - که حالا نمی خواهم اسم ببرم - در زمان ریاست جمهوری بنده، به ایران آمد و حرفهایی زد. من این حرف را به او گفتم؛ حالا هم به شما عزیزان می گویم - این حرفهایی که ما با این دیپلماتها، در طول سالهای متمادی زدیم، در کاغذها ثبت است و هیچ وقت فرصتی پیش نیامده است که به گوش مردم برسد. اگر یک روز این حرفها پخش و فهمیده شود - که ما در طول هشت سال ریاست جمهوری و بعد از آن، چه گفتیم، من گمان می کنم که ملت ایران، بیشتر احساس عزت خواهد کرد. الحمدلله - من به آن وزیر خارجه ای که از طرف دولتش - شاید هم از طرف جامعه اروپا - به ایران آمده بود - در زمان حیات مبارک امام بود - گفتم ما به عنوان جمهوری اسلامی، نمی خواهیم با غرب، قطع رابطه باشیم. ما می خواهیم رابطه مان برقرار باشد؛



اما منظور از غرب که فقط امریکا نیست. آمریکاییها می خواهند وانمود کنند که غرب یعنی آمریکا! اگر شما با آمریکا رابطه برقرار کردید، با غرب رابطه دارید، والا منزوی هستید! گفتم ما این را قبول نداریم. البته آن اروپایی هم از این حرف، خوشحال شد.

اروپاییها جزو مجموعه غربند، اما با آمریکاییها خیلی اختلاف دارند. کسانی خیال نکنند که اگر فلان مسؤول اروپایی در مقابل انقلاب، در مقابل ایران و ملت‌های مسلمان، در مقابل ملت‌های شرق یا خاور میانه، از کلیت غرب، یا از امریکا پشتیبانی می کند، قضیه همین است؛ نه. اختلافات بین آنها خیلی زیاد است! اختلاف بین آمریکا و اروپا - از لحاظ عمق - در مواردی، اصلاً کمتر از اختلاف اروپا با دنیای غیرغرب نیست! با هم خیلی اختلافات دارند که حالا جای بحث آن نیست.

ما بارها تکرار کرده ایم، ما ملتی هستیم که خودمان تصمیم می گیریم. ما نمی توانیم منتظر بمانیم تا فلان کشور، فلان دولت، فلان وزیر خارجه یا رئیس جمهور، به ما توصیه کند که شما چاره ای ندارید جز این که با آمریکا رابطه برقرار کنید! نه آقا، چاره داریم؛ چاره این است که بر روی مواضع سرشار از عزت، که ناشی از اسلام، ناشی از ملت ایران و از قدرت اسلامی و ملی ماست، محکم بایستیم تا همه کسانی که بیگانه از ما هستند، احساس کنند در مقابل این ملت، نمی شود با قلدری حرف زد!

من در پیام عید نوروز، خواستم به ملت‌مان این را عرض کنم که ای ملت عزیز! آن عزتی که دارید، ناشی از مواضع ایمانی و انقلابی شماست. عزیزان من! در داخل مرزهای ملت ما کسانی هستند که متأسفانه همان حرفی را می زنند که سازمان سیای آمریکا به وسیله قلم به مزدان خود در مجلات و مطبوعات دنیا پخش می کند! یعنی می خواهند بگویند «ارتباط با آمریکا، کلید حل است؛ تا ارتباط با آمریکا پیدا نکنید، نمی شود هیچ کار کرد!» عده ای هم در داخل کشور، این پیام دشمن را در روزنامه های خود ما با استفاده از فضای آزادی که خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده است و همه می توانند نظرات خودشان را بگویند، پخش می کنند!

آنچه که من بر آن تأکید می کنم، این است که عزت ملت از استقرار او بر روی مواضع انقلابی و استحکام مواضع دینی و ملی اوست؛ نه از گرایش به این و آن. نه از اتکا به این و آن. نه از التماس کردن و ایجاد رابطه پیش این، یا آن دولت. متأسفانه عده ای در داخل، این طور حرف می زنند، این طور حرکت می کنند و این گونه می اندیشند. البته من بعید می دانم که این، فکر آنها باشد. نمی تواند یک نفر در این فضای سالم و معنوی و انقلابی، این قدر غلط و کج فکر کند! حالا می نویسند، بنویسند؛ البته آن کسانی که با پول بیت المال قلم می زنند، باید بفهمند که چه می نویسند. بعضی کسان حق ندارند پول این ملت را بگیرند و با بودجه بیت المال - با پول بیت المال که مال مردم است - علیه مصالح مردم حرف بزنند و خائنه نظر بدهند!

بحمدالله امروز عزت مردم در کشور ما، بر اثر همین روح استکبار ستیزی است. و استکبار ستیزی موجب انزوای هیچ ملتی نمی شود. آمریکاییها خودشان می خواهند این طور وانمود کنند که اگر ملت ایران با ما رابطه برقرار نکند، منزوی می شود! ما با آمریکا، رابطه هم برقرار نکردیم، رابطه را هم رد کردیم؛ نه که منزوی نشدیم، بلکه در قضیه اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و یک قضیه دیگر قبل از آن، همه دنیا گفتند که آمریکا در مقابل ملت ایران منزوی شد! ایستادگی یک ملت، موجب انزوای او نمی شود، بلکه بیشتر موجب عزت او می گردد. همچنان که رابطه با دولت آمریکا یا هر دولت دیگر هم هیچ گره ای را از کار ملتی که خودش نتواند دردهای خود را علاج کند، باز نمی کند.

شما به ملت‌های شرق آسیا نگاه کنید! یکی از رؤسای معروف همین چند کشور آسیایی که در قضایای بحران اقتصادی، چند ماه قبل دچار ضرر شدند، در قضیه کنفرانس اسلامی که به تهران آمده بود، به من گفت: «ملت ما یک شبه تبدیل به یک ملت فقیر شد!» می گفت عامل آن هم همین سرمایه داران صهیونیست و آمریکایی هستند! آن کشور، با آمریکا هم روابط صمیمانه، یا رابطه دوستانه دارد. مگر رابطه می تواند مشکلی را از کار یک ملت حل کند؟!



مگر استکبار و ایادی دولت آمریکا و دیگران، آن وقتی که منافعشان ایجاب کند، به ملتی رحم می کنند؟! نه به اقتصاد رحم می کنند، نه به فرهنگ، نه به مردم، نه به پول و نه به اقتصاد بین المللی. به کسی رحم نمی کنند! حال فلان آقای نویسنده، از فضای بازی که بحمدالله در کشور ما هست، سوء استفاده کند و ایستادگی ملت ایران را بگوید «انزوا!» آیا این انزوا است؟! آیا ملتی که همه دنیا از عزت و عظمتش خبر می دهند، منزوی است؟! اگر معنای منزوی این است که یک ملت مستقل باشد و تسلیم این و آن نشود، این انزوا از هر چیز دیگری بهتر است! این انزوا نیست. خیال کرده اید که اگر ملت ایران از اصول خود صرف نظر کند، از راه پرافتخار دوران حیات مبارک امام برگردد و دست دوستی التماس آمیز و حقارت آمیز به سوی قدرتها دراز کند، همه مشکلات اقتصادی این کشور، یک شبه حل خواهد شد! ابد!

آن کشورهایی که دوستیشان با آمریکا خیلی شدیدتر بود، آن ضربه را از ناحیه سرمایه داران خود آمریکا خوردند! مگر امریکاییها به صغیر و کبیر رحم می کنند؟! در فضای فرهنگی و مطبوعاتی ای که در این چند ماه آخر، به شدت ناسالم شده و ناسالم می شود، متأسفانه بعضی سمپاشی و زهرافشانی می کنند! البته سیاست ما این نیست که کسی را به خاطر نوشتن چیزی و پخش مطلبی، تا خلاف قانون نباشد، مورد ملامت قرار دهیم؛ اما به افشاگری می پردازیم و آنها را به مردم معرفی می کنیم. اگر هم دست برندارند، مردم خودشان می دانند که با آنها چه کنند! این، آن دو مطلب اساسی بود که من در پیام اول سال، به ملت عرض کردم؛ حالا هم خواستم با تفسیر بیشتری در مورد آن صحبت کنم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات و رحمت و خیرات و تفضلات خود را بیش از پیش بر این ملت، نازل کن. پروردگارا! این ملت بزرگ، این ملت مؤمن، این جوانان انقلابی و این خانواده های عزیز ایثارگر را مشمول توجهات و ادعیه حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداه قرار بده؛ در فرج و ظهور آن حضرت تعجیل فرما. پروردگارا! دنیا و آخرت این ملت را آبادان کن، ما را با قرآن زنده بدار، ما را با قرآن بمیران، پرچم اسلام و قرآن را روز به روز سربلندتر فرما. همه ملت‌های اسلامی را از عزت و استقلال و بقیه نعم بزرگ ملی و انسانی برخوردار کن. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته